

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) الگوی بصیرت در ولایتمداری

محمدحسن رستمی^۱
هادی شادکام^۲

چکیده

رفتار شناسی حضرت صدیقه طاهره (س) در جامعه و نحوه برخورد ایشان در موقعیت‌های مختلف، راهنمایی مفید در حوزه بصیرت می‌باشد. در این مقاله که به روش اسنادی انجام گرفته، سعی بر آن بوده تا سیره فاطمه (س) به عنوان یک الگو در زمینه بصیرت، از یعنی قرآن و منابع حدیثی استخراج گردد. مسئله اصلی مقاله این است که حضرت فاطمه (س) از چه روشی برای بصیرت‌سازی و تبیین جایگاه ولایت در جامعه استفاده فرموده است.

کلید واژه‌ها: حضرت زهرا (س)، بصیرت، ولایت، قرآن، حدیث.

مقدمه

نگاه ما به پیامبر (ص)، ائمه (ع) و حضرت زهرا (س) بیشتر جنبه عاطفی و معنوی دارد. بیشتر به مصائب آنان نگاه کرده‌ایم و اشک ریخته‌ایم و کمتر به جایگاه آن‌ها نگریسته‌ایم. سخنان‌شان را به عنوان متخصصانی بی‌نظیر، مطالعه نکرده‌ایم. جایگاه اصلی

۱- استادیار دانشگاه فردوسی مشهد.

۲- دانشجوی کارشناسی علوم قرآن و حدیث.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۵.

۱۴۸-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰

امامت و رهبری ائمه (س) در میان جایگاه معنوی آنان نادیده گرفته شده است. ایشان دارای جنبه های مختلف شخصیتی، مدیریتی، ولایی، سیاسی و... هستند.

شخصیت بی نظیر سیاسی حضرت فاطمه زهرا (س) بخشی از تربیت الاهی ایشان می باشد که از کودکی با یاری نمودن رسول خدا (س) در وجودشان شکوفا می گردد.

قله مبارزات سیاسی حضرت در دفاع از حریم ولایت تبلور می یابد. آن ولایتی که حضرت حاضر می شود تمام دارایی خود را برای پا برجاماندن این عنصر اساسی فدا کند.

تجلی حضرت فاطمه (س) در ولایت مداری هم چون نوری است، که راه را برای همگان تا ابد آشکار و وظیفه ما را به عنوان شیعه و پیروان راه اهل بیت (س) روشن نموده است.

فاطمه زهرا (س) شهیده راه ولایت و امامت، با فدا سازی خویش به همگان آموخت که امام بر حق، چونان کعبه است؛ کعبه ای که مردم بایستی بر گردش طواف نمایند؛ نه او بر گرد مردم: «مثل الامام مثل الكعبة اذ تؤتی و لا تأتی». (مجلسی، ۳۵۳/۳۶)

فاطمه، استمرار اسوه حسنه است و این است رمز و راز آن که سیره فاطمه برای همه امامان از نسل او، اسوه، حجت و الگو می گردد: «نحن حجه الله علی الخلق و فاطمه حجة علينا». (المسعودی، ۱۷)، یعنی: ما (امامان معصوم) حجت خداوند بر مردمان هستیم و فاطمه، حجت (خداوند) بر ما.

اسوه گری سیره فاطمه (س) چنان در اوج یگانگی است که مولای عدل گستر ما - که جهانی چشم انتظار اوست تا ظهور نماید و الگوی همگان در تمام ابعاد وجودی انسان گردد - فاطمه (ع) را اسوه نیکوی زندگانی خویش معرفی می فرماید: «و فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة» (مجلسی، ۱۸۰/۵۳) همانا در دختر رسول خدا برای من، الگویی شایسته وجود دارد.

تعریف بصیرت

بصیرت، در لغت به معنای عقیده قلبی، شناخت، یقین، زیرکی و عبرت آمده (ابن منظور، ۶۵/۴) و در اصطلاح، عبارت است از قوه ای در قلب شخص، که به نور

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) الگوی بصیرت در ولایتمداری-----۱۴۹
قدسی منور بوده، به وسیله آن حقایق اشیاء و امور را درک می‌کند، همان‌گونه که
شخص، به وسیله چشم، صور و ظواهر اشیا را می‌بیند. (التهانوی، ۳۳۹/۱) برخی گفته‌اند:
بصیرت، معرفت و اعتقاد حاصلشده در قلب، نسبت به امور دینی و حقایق امور است.
(الفراهیدی، ۱۶۶/۱)

فاطمه رکن امیرالمؤمنین (علیه السلام)

در زندگانی امام علی (ع) دو رکن اساسی وجود داشتند که هر کدام نقش بسزایی در
دوران حیات حضرت ایفا می‌کردند و به عنوان حامیان واقعی، ایشان را یاری می‌دادند.
یکی از ناحیه معرفی موقعیت علی (ع) در اجتماع به عنوان ولی و امام و دیگری در مقام
حمایت و دفاع از ولایت حضرت‌اش.

قال الصادق (ع): قال جابر بن عبد الله: سمعت رسول الله (ص) يقول لعلي بن ابي طالب (ع)
قبل موته بثلاث: «سلام عليك يا ابالريحانتين. اوصيك بريحانتي من الدنيا، فعن قليل ينهد
ركنك، والله خليفتي عليك. فلما قبض رسول الله (ص) قال علي هذا احد ركني الذي قال
لي رسول الله (ع) فلما ماتت فاطمه (ع) قال علي: هذا الركن الثاني الذي قال رسول الله صلي
الله عليه وآله» (مجلسی، ۱۷۳/۴۳)، یعنی: حضرت امام صادق (ع) از طریق امام باقر (ع)
از جابر بن عبد الله انصاری نقل می‌کند که او می‌گوید: شنیدم پیامبر خدا (ع) سه روز
پیش از وفاتش به علی (ع) می‌فرمودند: سلام بر تو ای پدر دو ریحانه من! من دو
فرزندم حسن و حسین (ع) را به تو سفارش می‌کنم. به زودی دو رکن اساسی تو دنیا
را ترک می‌کنند، آن‌گاه خداوند جانشین و خلیفه من است برای تو.

جابر می‌گوید: چون پیامبر خدا (ع) وفات کردند، امیرالمؤمنین فرمودند: این یکی از
رکنهای من که رسول خدا خبر داده بود و پس از شهادت فاطمه (ع) نیز گفت: این هم
رکن دوم من که رسول گرامی اسلام به آن خبر کرده بودند.

آنچه قابل توجه است، این‌که: فاطمه زهرا (ع) در این حدیث شریف، از نظر نقش و
حمایت از علی (ع) و ولایت‌او، در برابر پیامبر خدا (ع)، رکن اساسی او خوانده شده‌است.

۱۵۰-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰
از احادیث متعدد و تواریخ معتبر استفاده می‌شود که امیرالمؤمنین علی (ع) با وجود فاطمه (ع) دلگرم بود و برای مبارزه با غاصبین آمادگی بیشتری داشت، ولی فقدان آن بانوی گرامی، امیرالمؤمنین (ع) را مأیوس ساخت. چون فاطمه (ع) رکن اصلی علی (ع) و پشتوانه ولایت بود.

وقتی فاطمه زهرا (س) به شهادت رسید، امیرالمؤمنین ایشان را در کنار قبر قرار داد، آن‌گاه خطاب به رسول خدا (ص) عرض کرد: «یا رسول الله! با شهادت فاطمه صبر و شکیبایی ام کاسته شد و طاقت و توانایی از دستم رفت. بعد از این پیوسته در حزن و اندوه به سر می‌برم و شب‌ها را به بیداری می‌گذرانم. (فیض الاسلام، ۶۱۶)
این عبارات نشان می‌دهد که فاطمه (ع) چه نقش اساسی در شخصیت علی (ع) داشته، که با داشتن آن همه صبر و ایمان و... در فقدان بانوی گرامی، گرفتار چنان رنج و دردی شده، که صبرش را از دست داده و خواب راحتی نداشته و برای همیشه خود را محزون و متالم یافته است.

ابن ابی‌الحدید در نقش فاطمه (ع) در ولایت و شخصیت مولای متقیان، عبارات گوناگونی دارد، که ما به‌عنوان نمونه یک فراز از آنها را نقل می‌کنیم: «کانت وجوه الناس الیه (علی) و فاطمة باقیة، فلما ماتت فاطمه (ع) انصرفت وجوه الناس عنه...» (ابن ابی‌الحدید، ۲۲/۲)، یعنی: بعد از پیامبر (ع)، تا وقتی فاطمه (ع) زنده بود توجه اصلی مردم به سوی امیرالمؤمنین دوخته شده بود و لکن بعد از وفات آن بانوی عزیز اسلام، توجه آنان از علی (ع) برگشت.

حتی در عباراتی دارد که شیخین جرأت و جسارت به علی (ع) را بعد از فاطمه (ع) آن‌چنان شدت بخشیده و شخصیت بی‌نظیر وی را آن‌گونه لگدمال کردند، که وی را در میان مردم به فراموشی سپردند. (ابن ابی‌الحدید، ۲۸/۹)

بخاری در این باره می‌نویسد: «وکان لعلی (ع) من الناس وجه حیاة فاطمه (ع) فلما توفیت استنکر علی (ع) وجوه الناس فالتمس مصالحة ابی‌بکر و مباحته...» (البخاری، ۸۳/۵؛ القشیری النیشابوری، ۱۵۴/۵)، یعنی: تا فاطمه (ع) زنده بود، علی (ع) شخصیت

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) الگوی بصیرت در ولایتمداری-----۱۵۱
مورد توجه مردم بود، ولی بعد از شهادت آن بانو، امیرالمؤمنین احساس غریبی کرد و
لذا از ابوبکر خواست که بیعت او را بپذیرد.
در این فراز آمده است که علی (ع) ابوبکر را به طور خصوصی به منزلش دعوت کرد و
از پذیرفتن عمر خودداری نمود و در آن مجلس مطالب دوستانه‌ای مطرح شد، که ابوبکر
گریه کرد و چون علی (ع) آماده بیعت بود، ابوبکر گفت: من درآمد فدک را به همان
کیفیت خرج می‌کنم که پیامبر خدا (ع) می‌کرد...
از مجموع این مطالب استفاده می‌کنیم که فاطمه (ع) رکن امیرالمؤمنین و پناه او به
حساب می‌آمد و پس از شهادت آن حضرت احساس غریبی و بی‌پناهی نموده و راه
مصالحه و بیعت را پیش گرفته است.

۱- نقل روایت درباره جانشینی علی (علیه السلام)

بسیاری از مسلمانان پس از رحلت پیامبر بزرگوار اسلام، حقایق زیادی را کتمان کردند
که گویا هرگز آن‌ها را از پیامبر نشنیده‌اند.
اما فاطمه (ع) نه تنها به خود اجازه چنین کاری نداد بلکه شجاعانه و به بهانه‌های
مختلف حقایق را پیرامون ولایت و امامت علی بن ابی طالب (ع) اظهار کرد و آنچه را
که در این خصوص از پیامبر (ص) شنیده بود برای مردم بازگو نمود.
او در پاسخ محمود بن لبید که پرسیده بود راز پیامبر (ع) در موقع رحلت با تو
چه بود؟

فرمود: «خدا را گواه می‌گیرم که شنیدم پیامبر (ص) می‌فرمود: «علی خیر من
اخلفه فیکم»، علی بهترین فردی است که او را پس از خودم در بین شما قرار
می‌دهم و او امام و جانشین من است و هم‌چنین دو فرزندش و نه فرزند از نسل
حسین (ع) که اگر از آن‌ها پیروی کنید خواهید دید آن‌ها هدایت یافته هستند و اگر
با آنان مخالفت کردید تا روز قیامت در بین شما امت اختلاف خواهد بود». (الخرزاز

القمی، ۱۹۹)

۱۵۲-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰

۲- یادآوری ماجرای غدیر خم

روز غدیر خم بود که رسول خدا، علی (ع) را باری دیگر به امر پروردگار در برابر چشمان ده‌ها هزار نفر به خلافت و جانشینی پس از خود منصوب فرمود و از مسلمانان در این باره بیعت گرفت. فاطمه زهرا (ع) که خود شاهد اعلام جانشینی علی (ع) از سوی پیامبر بود، بر همین ماجرا اصرار و پافشاری می‌کرد.

«حدثنا فاطمه بنت علی بن موسی الرضا قالت: حدثتني فاطمه و زينب و ام‌کلثوم بنات موسی بن جعفر قلن حدثنا فاطمه بنت جعفر بن محمد الصادق، حدثتني فاطمه بنت محمد بن علی: حدثتني فاطمه بنت علی بن الحسين قالت: حدثتني فاطمه و سکینه ابنتا الحسين عن ام‌الکلتوم بنت فاطمه محمد (ع) عن فاطمه بنت رسول الله قالت: أنسيتم قول رسول الله (ع) يوم غدیر خم: «من كنت مولاه فعلي مولاه» و قوله (ع): «انت مني بمنزله هارون من موسی؟!» (المرعشي، ۲۷/۲۱)، یعنی: فاطمه دختر امام هشتم (ع) گوید: فاطمه و زينب و ام‌کلثوم دختران امام هفتم (ع) برای ما از گفته فاطمه، دختر امام ششم (ع) حدیث کردند که: فاطمه دختر امام پنجم (ع) از قول فاطمه دختر امام چهارم (ع) گفت: فاطمه و سکینه دختران امام حسین (ع) از ام‌کلثوم دختر فاطمه زهرا (ع) نقل کردند که وی از مادر خود حضرت زهرا (ع) حدیث کرد: مادرم فاطمه زهرا (ع) - در استدلالی بر امامت امام علی (ع) - گفتند: آیا از یاد بردید گفته پیامبر (ع) در روز غدیر را که فرمود: هرکس من مولای اویم علی مولای اوست و گفته دیگر رسول را که خطاب به علی (ع) فرمود: تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی.

محمودین‌لید از جمله کسانی است که سخن فاطمه (ع) را ضمن ملاقاتی با وی در کنار قبر حمزه برای ما نقل کرده است، او می‌گوید: روزی فاطمه (ع) را در کنار قبر حمزه سیدالشهداء دیدم که به شدت می‌گریست، کمی صبر کردم تا آرام گرفت. از او پرسیدم: ای سیده من! می‌خواهم از شما چیزی بپرسم که پیوسته فکر مرا به خود مشغول داشته است.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) الگوی بصیرت در ولایتمداری ----- ۱۵۳

فاطمه (ع) فرمود: بپرس.

گفتم: آیا پیامبر (ع) پیش از رحلت خود سخنی در مورد جانشینی و امامت علی (ع) فرموده است؟

فاطمه (ع) فرمود: «و اعجابه! انسیتم یوم غدیر خم؟!» یعنی: بسی جای تعجب است! آیا روز غدیر خم را به دست فراموشی سپرده‌اید؟

محمود بن لبید گوید: در تأیید سخن حضرت فاطمه عرض کردم: گفتم: آری در غدیر خم تصریح کرده ولی از آن چه دور از چشم مردم برایتان فرموده برایم باز گوئید. حضرت فرمود: خدا را شاهد می‌گیرم از پیامبر خدا شنیدم که فرمود: علی، بهترین کسی است که پس از خویش در میان شما می‌گذارم و او امام و جانشین پس از من است و نواده‌ام و نه نفر از صلب حسین، امامان پاکند. اگر از آنان پیروی کنید آنان را راهبر و راه یافته می‌یابید و اگر با آنان مخالفت کنید اختلاف در میان شما تا قیامت خواهد بود.

گفتم: سرورم! پس چرا حضرت علی (ع) حق خویش را دنبال نمی‌کند؟ حضرت گفت: ای ابو عمر! پیامبر خدا فرمود: مثل امام مثل کعبه است یا مثل علی مثل کعبه است. (تردید از راوی است) چرا که مردم به سراغ کعبه می‌روند و کعبه نزد کسی نمی‌رود. آن‌گاه حضرت فرمود: به خدا سوگند اگر حق را به اهل اش و اگذار و از عترت پیامبر خدا پیروی می‌کردند، هرگز اختلافی درباره خدا بین دو نفر هم پدید نمی‌آمد و امامان، یکی پس از دیگری امامت را به ارث می‌بردند تا آن زمان که قائم ما، نهمین فرزند از حسین (ع) پیا می‌خاست ولی آنان کسی را که خداوند پس زده بود جلو انداختند و آن را که خداوند، پیش داشته بود پس زدند و زمانی که پیامبر مبعوث را در قبر نهادند، به دلخواه خود انتخاب کردند و به رأی خویش تن دادند. بریدگی و هلاکت برایشان باد. آیا نشنیدند که خداوند می‌فرمود: «پروردگار تو هر چه می‌خواهد می‌آفریند و هر که را بخواهد برمی‌گزیند و انتخاب و گزینش به دست مردم نیست.» آری شنیدند ولی آنان همان‌گونه‌اند که خداوند فرمود: «چشم‌ها نابینا نمی‌شود ولی دل‌هایی که در سینه هست نابینا نمی‌گردد.»

۱۵۴-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰
ای وای! آرزوهای خویش را در دنیاگسترده و از مرگ خود غافل شدند. مرگ برایشان
باد و خداوند کردارشان را تباه می‌سازد. خدایا به تو پناه می‌برم از توقف و عقب‌گرایی
پس از پیشرفت. (الخرزاقی، ۱۹۹)

۳- انتقاد شدید حضرت (ع) از مردم

«خرجت فاطمه بنت رسول الله (ع) اليهم فوفقت على الباب ثم قالت لا عهد لي بقوم حضروا
أسوء محضر منكم. ترتكم رسول الله (ع) جنازة بين أيدينا و قطعتم أمرکم فيما بينکم فلم
تؤمرونا و لم تروا لنا حقا كأنکم لم تعلموا ما قال يوم غدیر خم والله لقد عقد له يومئذ الولاء
ليقطع منکم بذلک منها الرجاء و لکنکم قطعتم الأسباب بینکم و بین نبیکم و الله حسیب بیننا
و بینکم فی الدنيا و الاخره». (مجلسی، ۲۰۵/۲۸)

پس از پیامبر (ع)، مردم به در خانه حضرت ریختند. حضرت نزد درآمدند و با استفاده
از بصیرت خویش با مردم چنین سخن گفتند: «مردمی با حضوری زشت‌تر از حضور
شما در خانه‌ام نمی‌شناسم. جنازه رسول خدا را در پیش روی ما وانهادید و خلافت را
در میان خود قطعی کردید، رهبری را به ما واگذار نکردید و هیچ حقی برای ما در نظر
نگرفتید. گویا شما از گفته پیامبر در روز غدیر خم باخبر نبودید!؟»

به خدا سوگند پیامبر اکرم (ع) در آن روز ولایت و رهبری را برای علی (ع) قرار داد تا با
این عمل، امید شما را از خلافت قطع کند ولی شما پیوندهای بین خود و پیامبران را قطع
کردید و خداوند در دنیا و آخرت، به آنچه بین ما و شما گذشته رسیدگی خواهد کرد».

۴- فدک و ولایت

اصولاً از نظر قرآن، رخدادهای حساس تاریخی و فتنه‌ها، از مهمترین عوامل بصیرت‌زا
می‌باشند، زیرا در این حالت است که اشخاص تیزهوش و زیرک درمی‌یابند که حقیقت
ممکن است غیر از آن چیزی باشد که به چشم می‌آید. از این رو، به تحلیل رخدادهای و
فتنه‌ها برای دستیابی به حقایق نهان آن می‌پردازند.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) الگوی بصیرت در ولایتمداری-----۱۵۵
کسانی که با خطبه حضرت آشنا هستند و حرکت انقلابی زهرا (ع) را پس از پیامبر (ص) به خوبی دنبال کرده‌اند درمی‌یابند که مطرح کردن حق ارث، فدک و سهم ذوی‌القربی از سوی حضرت زهرا (ع) در راستای تقویت امامت در آن زمان قرار داشته است.

در خطبه، ابتدا ولایت و رهبری امیرمؤمنان مطرح می‌شود و حضرت زهرا (ع) عدول از امام علی (ع) را انحرافی بس بزرگ قلمداد می‌کند و از آثار شوم آن، انحراف از قرآن و احکام آن را برمی‌شمرد و نمودهای این انحراف در موضوع فدک و ارث ارائه می‌شود، دفاع از فدک و ارث، در حقیقت، دفاع از امامت و رهبری است.

این حقیقت، به هنگام بررسی داستان فدک و درگیری زهرا (ع) با حاکمان وقت به خوبی مشهود است و روشن‌ترین گواه خطبه فدکیه است. شهید صدر در این رابطه می‌نویسد: «و اننا نحس أيضا اذا درسنا الواقع التاريخي لمشكلة فدک و منازعاتها بأنها مطبوعه بطابع تلک الثوره و تتبين بجلاء أن هذه المنازعات كانت في واقعها و دوافعها ثوره على السياسة العليا و ألوانها التي بدت للزهراء بعيدة عما تألفه من ضروب الحكم و لم تكن حقا منازعه في شيء من شؤون السياسة الماليه المناهج الاقتصادية التي صارت عليها خلافه الشوری و ان بدت على هذا الشكل في بعض الأحيان.» (الصدر، ۵۹)، یعنی: به هنگام بررسی تاریخ فدک و درگیری‌های آن در می‌یابیم که ماجرای فدک نمود حرکت انقلابی حضرت زهرا (ع) است و درگیری‌های فدک در حقیقت، با توجه به انگیزه‌هایش، انقلابی است علیه حکومت آن زمان و هرگز درگیری فدک یک درگیری مالی صرف نیست. گرچه گاهی ممکن است به این شکل جلوه کند.

بنابراین، فدک و دفاع از فدک یک معنای سمبلیک خواهد داشت. پیروزی زهرا (ع) در موضوع فدک درستی بینش و بصیرت حضرت زهرا (ع) را در موضوع امامت و رهبری به دنبال دارد و این دو به هم پیوسته است و هم اکنون می‌یابیم که چرا امام موسی بن جعفر (ع) آن هنگام که هارون پیشنهاد واگذاری فدک را به حضرت می‌دهد می‌فرماید: «من فدک را با همه حدودش (یعنی به طور کامل) می‌پذیرم. هارون که از حدود فدک

۱۵۶-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰

می‌پرسد امام به گونه‌ای ترسیم می‌کند که همهٔ محدودهٔ کشور اسلامی آن زمان را فرامی‌گیرد. (مجلسی، ۲۹/۲۰۰)

یعنی مبارزهٔ فدک درحقیقت، یک مبارزهٔ مالی صرف نبود. چهره‌ای سیاسی و حکومتی داشته و طرح فدک در راستای مبارزه با حاکمان آن زمان قلمداد می‌شده است. (حسینیان قمی، ۲۶۶)

ابن ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه می‌نویسد: «از علی بن الفارقی (مدرس غربیه بغداد) پرسیدم: آیا فاطمه (ع) راستگو نبود؟ او جواب داد: آری، راستگو بود.

پرسیدم: چرا ابوبکر حقش را به وی برنگرداند؟

لبخندی زد و با آهنگی که کمتر رنگ شوخی داشت و هاله‌ای از لطافت و ظرافت و ابهت آن را در بر گرفته بود، گفت: اگر ابوبکر، امروز فدک را به فاطمه (ع) می‌داد، فردا خلافت را برای همسرش امیرالمؤمنین (ع) مطالبه می‌کرد و ابوبکر را از مقام خلافت می‌رانند. ابوبکر نمی‌توانست برای خلافت عذری داشته باشد و ناگزیر به ترک آن می‌شد، زیرا فاطمه (ع) راستگو و در سخن‌اش صادق بود و در ادعایش نیاز به گواه و شاهد نداشت. بنابراین، دیگر عذر ابوبکر پذیرفته نمی‌شد.» (ابن ابی‌الحدید ۱۶/۲۸۴)

این خطبه شامل شش فصل است که به آن اشاره می‌نماییم.

◆ **فصل اول:** حمد و ستایش حق تعالی و شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت رسول گرامی اسلام (ص).

◆ **فصل دوم:** حضرت زهرا (ع) با مهاجر و انصار سخن می‌گوید و قرآن و عترت را مطرح می‌سازد و دین و ارزش‌های آن را بیان می‌دارد و مردم را به تقوای الهی و توجه به قرآن و عترت دعوت می‌کند.

◆ **فصل سوم:** در این فصل باز به سخن اول برمی‌گردد و انتساب خویش را به پیامبر (ع) بیان می‌دارد و زحمات رسول گرامی را خاطر نشان می‌سازد. گذشتهٔ آنان را

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) الگوی بصیرت در ولایتمداری-----۱۵۷
یادآوری می‌کند و در این ارتباط از تلاش‌های امیر مؤمنان (ع) و جهاد و دفاع و تقدم او بر همه یاد می‌کند و نزدیکی او را با پیامبر، بیان می‌دارد.

◆ **فصل چهارم:** در این فصل دوره پس از حضرت رسول و بریدن مردم از عترت و قرآن به خوبی ترسیم می‌شود و حضرت زهرا (س) در دو بخش، هم از ولایت و امامت علی (ع) و هم از قرآن و احکام آسمانی‌اش دفاع می‌کند.

حضرت فاطمه (ع) فرمودند: داغ زدید بر غیر شترتان (خلافت)، جهان مداری را بدون استحقاق، مرکب سواری خود کردید، در صورتی که مرکب سواری شما نبود و شما لایق سواری آن نبوده و نیستید. عهد پیامبر (ع) (در غدیر خم) نزدیک است و از رحلت پیامبر (ع) مدتی سپری نشده است و زخم دل ما هنوز بهبود نیافت. جراحت سینه ما التیام نپذیرفت. هنوز محمد (ع) در قبر قرار نگرفته، به دستاویز فتنه و آشوب، غضب خلافت کردید و خویشان را در فتنه انداختید و کافر شدید. جهنم محیط بر کافران است. هیئات! شما را چه رسید؟ به کجا می‌روید؟ کتاب خدا در میان شماست، احکام‌اش هویدا، منهیات‌اش آشکار و اوامر و دستوراتش واضح است. با قرآن مخالفت کردید و به قرآن پشت پا زدید. هر که غیر اسلام را برگزیند، هرگز از او قبول نمی‌شود و در آخرت از زیان‌کاران است. (مجلسی، ۲۲۵/۲۹؛ ابن ابی الحدید، ۲۱۰/۱۶-۲۱۳)

◆ **فصل پنجم:** در این فصل به ارث‌بری و حکم قرآن در این زمینه می‌پردازد و عدم توریث انبیاء را با توجه به قرآن، سخنی دروغ می‌داند و پس از اتمام حجت کامل با ابراز عمیق‌ترین خشم، سخن‌اش را به پایان می‌برد و حکم در این ماجرای غمبار را به داوری خداوند در قیامت واگذار می‌کند.

◆ **فصل ششم:** سپس حضرت، انصار را مورد خطاب ویژه خود می‌سازد و دادخواهی خویش را آشکارا بیان می‌کند و پس از دعوت آنان به مبارزه مسلحانه، با بیان این نکته که بر همراهی نکردن انصار واقف است تهدید نهایی خویش را ابراز می‌دارد. (حسینیان قمی، ۱۶۲)

۱۵۸-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰

۵- گام به گام علی (ع) در مجالس انصار

حمایت فاطمه (ع) هرگز به نقل حدیث و روایت درباره شخصیت والای علی (ع) و تکیه کردن بر امامت و جانشینی او خلاصه نمی‌شد، بلکه آن یکی از شیوه‌هایی بود که فاطمه (ع) در دفاع از حریم ولایت در پیش گرفته بود.

شیوه دیگر این که فاطمه (ع) همراه امام خود به مجالس انصار می‌رفت، تا شاید آنان را از خواب غفلت بیدار کرده و حق علی (ع) را بازستاند.

وی در کنار شوهر و فرزنداناش به یک تلاش همه‌جانبه دست زد و شبانه به در خانه‌های مهاجرین و انصار آمد و گفت: «ای مهاجرین و انصار! به یاری خدا بشتابید. من دختر پیامبر شما هستم و شما با آن حضرت حضرت بیعت کرده‌اید که از او و فرزنداناش مثل خود و فرزندانتان دفاع کنید. بنابراین بر تعهدات خویش عمل نمایید. (ولی کسی او را یاری نکرد)»

حضرت امام باقر (ع) در این زمینه می‌فرمایند: «ان علیا حمل فاطمه علی حمار، و ساریها لیلا الی بیوت الانصار یسألهم النصره، و تسألهم فاطمه الانتصار له...» (ابن ابی الحدید، ۱۳/۶)، یعنی: علی (ع) فاطمه (ع) را شبانه در حالی که وی را بر مرکب سوار می‌کرد، به در خانه‌های انصار می‌آورد و علاوه بر خود علی (ع)، فاطمه از آنان برای خلافت حضرتش استمداد می‌کرد.

مرحوم شُبْر با سند معتبر از طریق سلیم بن قیس از حضرت سلمان و عموی پیامبر خدا (عباس) نقل نموده، که حضرت علی (ع) به همراه فاطمه، حسن و حسین (ع) به همه اصحاب بدر مراجعه نموده و از آنان برای گرفتن خلافت خویش استمداد نمود اما جز عده‌ای قلیل اعلام آمادگی نکردند.

حضرت به آن گروه افرادی که جواب مثبت داده بودند فرمود: فردا صبح همگی به نشانه بیعت برای مرگ، سرهای خویش را تراشیده و سلاح بر دست در فلان جا آماده شوید. در این حدیث آمده است که جز سلمان، ابوذر، مقداد و زبیر، کس دیگری به صحنه نیامد. (شبر، ۱۹۱/۱)

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) الگوی بصیرت در ولایتمداری-----۱۵۹
در یک حدیث دیگر (خطبة طالوتیه) می‌خوانیم که در پی دعوت آن حضرت و فاطمه زهرا (ع)، شبانه سیصد و شصت نفر اعلان آمادگی کردند و امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: هر کس می‌خواهد فردا در کنار من با تمام وجود، با دشمنان به مبارزه برخیزد، سرهای خویش را تراشیده و با حمل سلاح و شمشیر در فلان مکان (احجارالزیت) حاضر گردد. امیرالمؤمنین به نشانه آمادگی برای مرگ، خود سرش را تراشید و در احجارالزیت حاضر شد و در آن روز جز پنج نفر، (ابوذر، مقداد، حذیفه، عمار و سلمان) از کسی خبری نشد... (نک: کلینی، ۳۳/۸)

معاویه بن ابوسفیان در نامه‌ای که برای امیرالمؤمنین نوشته، به این قضیه تلخ اشاره نموده، می‌گوید: «به یاد می‌آورم آن روزگار را که زن خود را بر چهارپایی سوار می‌کردی و دست حسن و حسین را می‌گرفتی و از همه اهل بدر و سایر اصحاب پیامبر استمداد می‌نمودی، ولی ولی جز چهار و یا پنج نفر اعلان آمادگی نکردند». (ابن ابی الحدید، ۴۷/۲)
ابن قتیبه مورخ بزرگ نیز می‌نویسد: «علی، فاطمه را سوار بر مرکب می‌کرد و همراه خود شبانه به مجالس انصار می‌برد تا به دفاع از حق علی (ع) پرداخته و از آنان یاری بطلبد اما انصار در پاسخ می‌گفتند: ای دختر رسول خدا (ع)! ما با اینان بیعت کردیم و اگر شوهر و عموزاده تو زودتر به نزد ما می‌آمد، هرگز به سراغ شخص دیگری نمی‌رفتیم!»
حضرت (ع) در پاسخ می‌فرمود: «آیا سزاوار بود که پیامبر (ع) را دفن نکرده در خانه‌اش رها می‌ساختیم و به خاطر این موضوع با مردم به نزاع می‌پرداختیم؟!» (الدینوری، ۱۹/۱)
آنچه از این احادیث و قضایای تاریخی به بحث ما مربوط می‌باشد، این است که فاطمه زهرا (ع) برای خلافت امیرالمؤمنین، از آبرو و شخصیت خویش مایه گذاشته و سعی می‌کرد علی (ع) را در رسیدن به این هدف یاری نماید، ولی...

۶- فریاد بر حریم شکنان

اهل بصیرت به سبب عبرت‌گیری و پندآموزی از هر رخداد و حادثه‌ای، هر تهدیدی را به فرصتی تبدیل می‌کنند و به جای آن که تهدیدات، عامل بازدارنده در مسیر شخص و جامعه شود، به یک فرصت بی‌مانند تبدیل می‌شود که توانایی و ظرفیت‌های وی و

۱۶۰----- منہاج - سال ہفتم، شماره دوازدهم، بہار و تابستان ۱۳۹۰
جامعہ اش را افزایش می دهد. این گونه است کہ فتنہ ہا بہ آزمون های رشد و بالندگی
تبدیل می شود و فرصت های بی مانندی را بہ شخص بصیر می بخشند.

فاطمہ (ع) در برابر عدہ ای حرمت شکن کہ بہ حریم خانہ اش حملہ ور شدہ بودند تا بہ
خیال خود علی (ع) را بہ زور شمشیر از خانہ بیرون کشیدہ، برای بیعت بہ مسجد ببرند،
آن چنان فریاد زد و از عمق جان نالہ کشید کہ قلب ہر بینندہ را جریحہ دار ساخت. صحنہ
غریبی بود و منظرہ ای عجیب. علی (ع) تنہای تنہا مانده بود. با یک مدافع آن ہم فاطمہ.
این ابوبکر - رقیق القلب - بود کہ با اشارہ بہ عمر، (الدینوری، ۱۹/۱؛ الطبری، ۳۷۷؛
مجلسی، ۲۲۶/۲۸ و ۲۹۷؛ الجوہری، ۷۱) فرمان حملہ بہ خانہ وحی و آخرین سنگر ولایت
را داد و بہ عمر گفت: با جماعتی بہ خانہ زہرا برو و ہمہ را برای بیعت بہ این جا بخوان
و چنانچہ علی سر باز زد با او بجنگ و بہ زور و شدت ہر چہ تمام، نزد من بیاورش.
(العسکری، ۱۲۹/۱)

عمر با تودہ ای از آتش و جماعتی از منافقین و آزاد شدہ های قریش بہ طرف خانہ فاطمہ (ع)
ہجوم بردہ و نعرہ بر آورد: «بہ خدا قسم اگر برای بیعت بیرون نیاید خانہ را با اہل اش
بہ آتش خواہم کشید. یکی با تعجب گفت: فاطمہ در خانہ است! عمر جواب داد: حتی
اگر او باشد!» (الدینوری، ۱۹/۱؛ مجلسی، ۲۰۴/۲۸)

راستی او چہ کاری می توانست انجام دہد؟ خود را از شر آنها حفظ کند؟ یا فرزندانش
خرد سالش را آرام نماید یا از امام خویش دفاع بنماید؟ و مانع بردنش شود؟
فاطمہ (ع) بہ دفاع از علی (ع) برخاست و بر آن جماعت گمراہ بر آشفت و عمر را عتاب
کرد: آیا از خدا پروا نداری؟ (مجلسی، ۲۶۹/۲۸) وای بر تو! این چہ جرات و جسارتی
است کہ بہ خدا و رسولش کردہ ای؟ آیا می خواهی نسل رسول را نابود کنی؟ آیا
می خواهی نور خدا را خاموش کنی؟ (ہمو، ۵۳/۱۸) و... زہرا (ع) در شگفت از آن ہمہ
خبثت و نفاق با چشمی پر اشک نالہ بر آورد: ای پدر! ای رسول خدا! چہ مصیبت هایی
کہ از پسر خطاب و پسر ابی قحافہ بہ ما نمی رسد! (الدینوری، ۲۰/۱) آن گاہ بہ در تکیہ
داد و فریاد دادخواہی سرداد: ای مردم شما را بہ خدا و پدرم سوگند دست از ما بکشید.
آیا کسی نیست کہ بہ یاری ما برخیزد؟ (مجلسی، ۳۴۸/۳۰)

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) الگوی بصیرت در ولایتمداری-----۱۶۱

۷- حضرت محسن (علیه السلام) فدایی راه ولایت

حضرت فاطمه (ع) برای آن که به تاریخ بفهماند برای دفاع از ولایت حاضر است تا همه دارایی خویش را فدا سازد و راه را برای آیندگان روشن نماید در این مسیر، محسن (ع) خویش را نیز فدا کرد.

۱۷- روی الجوینی بسنده عن النبی انه قال: ... «و اما ابنتی فاطمه... و انسی لما رایتها ذکر ما یصنع بها بعدی؛ کانی بها و قد دخل الذل بیتها... و کسر جنبها واسقطت جنبها... و خلد فی نارک من ضرب جنبها حتی القت ولدها، فتقول الملائکه عند ذلک آمین» (الجوینی الخراسانی، ۳۴/۲ و ۳۵)، یعنی: جوینی با سند خویش از پیامبر (ع) چنین روایت کرده است: ... دخترم فاطمه... چون او را می بینم به یاد چیزهایی می افتم که پس از من بر او روا می دارند؛ گویا او را می بینم که ذلت به خانه اش وارد شده، پهلوی شکسته، جنین او ساقط شده است... (خدایا)! جاودان آتش (عذاب) ساز، کسی را که به پهلوی او زد، به حدی که فرزند خویش افکند. در این موقع ملائکه، همه گویند: آمین!

۲۷- قال الشهرستانی فی ترجمه النظامیه انه یقول: «ان عمر ضرب بطن فاطمه یوم البیعه حتی ألت الجنین من بطنها، و کان یصیح. احرقوا دارها بمن فیها و ما کان فی الدار غیر علی و فاطمه والحسن والحسین»؛ (الشهرستانی، ۵۷/۱)، یعنی: شهرستانی در شرح حال نظام می گوید: روز بیعت، عمر به شکم فاطمه، چنان ضربه ای زد که جنین از شکم افکند و (عمر) فریاد می کشید خانه، را با هر که در آن است، بسوزانید، با آن که در آن خانه، جز علی و فاطمه و حسن و حسین نبودند.

۳۷- و قالوا عن احمد بن محمد بن السری بن یحیی بن ابی دارم المحدث: «کان مستقیم ...، ثم فی آخر ایامه کان اکثر ما یقرا علیه المثالب، حضرته و رجل یقرا علیه. ان عمر رفس فاطمه حتی اسقطت بمحسن» ، درباره احمد بن محمد بن السری بن یحیی بن ابی دارم محدث، چنین گفته اند: او در تمام زندگی، در راه راست قدم برمی داشت، اما در آخر عمر خود، اکثر آن چه بر او قرائت می شد، درباره مثالب (معایب خلفا) بود. نزد او

۱۶۲-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰
بودم که مردی بر او چنین می‌خواند: «عمر به سینه فاطمه چنان لگدی زد که محسن را
سقط کرد». (الذهبی، ۱۳۹/۱؛ ابن حجر، ۲۶۸/۱)

۱- رد بیعت خلیفه

از موارد دیگری که بیانگر بصیرت فاطمه (ع) است این بود که تا وقتی که زنده بود، هرگز
با خلیفه اول بیعت نکرد و نه تنها بیعت نکرد بلکه با او هم چنان در حال خشم و غضب
و قهر بود تا این که از دنیا رفت. حال سؤال ما این است که چرا فاطمه با ابوبکر بیعت
نکرد در حالی که روایاتی نقل شده که: «من مات و لیس له امام فموتته موته جاهلیه»
(مجلسی، ۴۱/۲۳ و ۷۸)

آیا فاطمه (ع) العیاذ باللّٰه به وسیله بیعت نکردن با ابوبکر به مرگ جاهلی از دنیا رفته و یا
حقیقتاً ابوبکر امام نبوده تا فاطمه به مفاد این روایت ملزم به بیعت با او باشد و یا
حدیث قابل استناد نیست؟ در پاسخ می‌گوییم: شکی نیست که فاطمه (ع) با ابوبکر
بیعت نکرد و نه تنها در ملاقاتی که آنان با فاطمه (ع) داشتند، حضرت زهرا (ع) از آن دو
روی گردانید بلکه فرمود: «اگر پدرم را ملاقات کنم از شما دو نفر شکایت خواهم کرد و
در پایان همین ملاقات بود که فرمود: به خدا سوگند در هر نماز تو را تقرین می‌کنم.»
(الدینوری، ۲۰)

از جهت دیگر حدیث «من مات و لم یعرف امام زمانه»، آن قدر صحت‌اش روشن است
که نیازی به بررسی اسناد ندارد، چرا که این حدیث را شیعه و سنی به اتفاق نقل
نموده‌اند و این حدیث با اسناد فراوان و با تعبیرهای مختلف از پیامبر (ع) نقل گردیده
مثلاً: طیالسی در مسند از ابن عمر نقل کرده که: «من مات بغير امام مات میتة جاهلیه»
(الطیالسی، ۲۵۹)

در کتاب‌های اهل سنت فراوان به چشم می‌خورد، (حنبل، ۹۶/۴، الهیثمی، ج ۲۱۸/۵،
الطبرانی، ۳۸۹/۱۹) و در منابع شیعه نیز مرحوم کلینی قریب به همین مضمون از فضیل بن
یسار از امام صادق (ع) از پیامبر (ع) نقل کرده است که فرمود: «من مات و لیس علیه
امام فمیتته جاهلیه، فقلت قال ذلک رسول اللّٰه؟ فقال ای واللّٰه قد قال. قلت: فکل من مات و

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) الگوی بصیرت در ولایتمداری-----۱۶۳
لیس له امام، فمیتته جاهلیه؟! قال: نعم.» (کلینی، ۳۷۶/۱؛ العیاشی، ۲۵۲/۱)، یعنی: هر که بمیرد و پیشوایی نداشته باشد، به مردن جاهلیتمرده است، عرض کردم این سخن پیامبر است؟ فرمود: آری به خدا او فرموده است. عرض کردم: پس هر که بمیرد و پیشوایی نداشته باشد مرگش مرگ جاهلیت است؟! فرمود: آری.
و با در نظر گرفتن دو مسئله مسلم فوق، علت عدم بیعت فاطمه با ابوبکر کاملاً روشن می‌گردد که او هرگز امام نبوده، تا فاطمه اقدام به چنین کاری کند.

۹- سکوت سیاسی فاطمه (علیها السلام)

یکی از اقدامات زهرا (ع) برای رسواکردن باند نفاق و اتمام حجت با مردم، همان سکوت ایشان است. حضرت (س) تصمیم گرفت دیگر هرگز با ابوبکر و عمر سخن نگوید و تا پایان حیاتش هم بر سر تصمیم خود ماند.
ایشان به ابوبکر درحالی که حقش را غصب کرده بود فرمود: «والله لادعون الله علیک والله لا اکلکم بکلمه ما حییت»، یعنی: به خدا سوگند تو را نفرین می‌کنم و به خدا سوگند تا زنده‌ام با تو کلمه‌ای سخن نخواهم گفت.» و نیز در حالی که عمر به خانه‌اش حمله برده بود و آنجا را به آتش کشانده بود به او فرمودند: «والله لا اکلّم عمر حتی ألقى الله»، یعنی: به خداوند سوگند تا زنده‌ام با عمر سخن نخواهم گفت؛ و در هنگام عیادت از او به هر دوی آنها فرمود: «والله لا اکلّمکما من رأسی کلمه حتّی القی ربّی فاشکو انکما الیه بما صنعتما و ما ارتکبتما منّی» و این مبارزه منفی و سکوت فاطمه (ع) برای خلفا خیلی سنگین و رسواکننده بود. او هر کجا با آنها برخورد می‌کرد از آنها رو بر می‌گرداند. بلی گاهی بلندترین فریادها را باید از دهان سکوت شنید. (پور سیدآقایی، ۱۴۹)

۱۰- نارضایتی فاطمه (علیها السلام) از شیخین

دلایل و شواهد تاریخی نشان می‌دهد که فاطمه (ع) از شیخین (ابوبکر و عمر) راضی نشد و بلکه وصیت کرد آن دو بر جنازه‌اش حاضر نشوند، بر او نماز نخوانند و درهنگام

۱۶۴-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰
دفن‌اش حضور نداشته باشند. این عدم رضایت به اشکال گوناگون در اواخر عمر
حضرت تجلی می‌کند.

الف- رو برگرداندن از آن دو: از نشانه‌های شدت غضب حضرت فاطمه (س) بر آن دو،
وقتی بود که آن‌ها بعد از چند مرتبه مراجعه برای ملاقات حضرتش و عدم موفقیت، از
امیرالمومنین (ع) خواستند تا اجازه دهد نزد فاطمه (س) روند. آنان بسیار اصرار کردند
تا نزد فاطمه (س) آیند و عذرخواهی کنند. امام‌علی (ع) سخنان آن دو را به فاطمه (س)
رساند و فاطمه (س) درخواست امام‌علی (ع) را رد نکرد، ولی وقتی آنان نزدش آمدند،
صورت‌اش را برگرداند. در این ملاقات فاطمه (ع) به ابوبکر و عمر گفت: آیا اگر
رسول خدا (ص) حدیثی فرموده باشد و شما آن را شنیده باشید، حاضرید شهادت
دهید که ما آن را شنیده‌ایم؟ گفتند: بله شهادت می‌دهیم، فاطمه (ع) فرمود: من شما را
به خدا سوگند می‌دهم آیا نشنیده‌اید که رسول خدا (ص) فرمود: رضای فاطمه رضای
من است، و غضب فاطمه غضب من است، هرکس فاطمه را دوست بدارد مرا دوست
دوست داشته و هر که او را راضی کند مرا راضی کرده و هرکس او را به خشم آورد،
مرا به خشم آورده است؟ آن دو نفر گفتند: بله ما از رسول خدا (ص) این کلام را
شنیدیم، بعد فاطمه (ع) فرمود: «انی اشهدالله و ملائکته انکما اسخطانی ولم ارضیتما لی لئن
لقیت النبی لاشکونکما»، یعنی: خدا و ملائکه او را شاهد و گواه می‌گیریم که شما دو
نفر (ابوبکر و عمر) مرا به غضب آوردید، و رضایت مرا فراهم نمودید، اگر پیامبر (ع) را
ملاقات کنم از شما دو نفر شکایت خواهم کرد.

ابوبکر گفت: «انا عائد بالله من سخطه و سخطک یا فاطمه»، یعنی: پناه می‌برم به خدا از
غضب رسول خدا (ع) و غضب تو ای فاطمه؛ و چنان گریه کرد و سخنان فاطمه (س)
در او اثر گذاشت که نزدیک بود قالب تهی کند. تا آن که ابوبکر از نزد او بیرون آمد و
مردم دور او جمع شدند که چرا چنین پریشانی؟ گفت: شما مردم همه شب با همسران
خود سرگرم خوشی‌های خود هستید و مرا به این گرفتاری‌ها مبتلا کردید، من به بیعت
شما احتیاجی ندارم، بیایید بیعت خود را پس بگیرید. (مجلسی، ۶۲۸/۲۹)

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) الگوی بصیرت در ولایتمداری-----۱۶۵
بخاری در صحیح خود به نقل از پیامبر اکرم می گوید: «فاطمه بضعه منی فمن اغضبها فقد اغضبنی» (البخاری، ۲۱۰/۴؛ الطبری، ۳۷)، یعنی: فاطمه (س) هستی و روح من است، کسی که او را خشمگین کند مرا خشمگین کرده است.

ب- نفرین به خلیفه: فاطمه (ع) بعد از ابراز خشم و نارضایتی خویش فرمود: «والله لا دعون الله عليك عند كل صلوه اصلیها» (الدینوری، ۲۰/۱)، یعنی: به خدا سوگند در هر نمازی که می خوانم تو را نفرین می کنم.

ج- وصیت برای عدم حضور در کنار جنازه او: حضرت زهرا آن قدر در هدف خویش پایدار بود که نه تنها تا آخرین ساعات زندگی، مبارزه را تعقیب کرد، بلکه دامن مبارزه را تا قیامت توسعه داد. قطعاً خوانندگان از این سخن تعجب می کنند که چگونه برای شخصی امکان دارد که مبارزاتش را حتی بعد از مرگ ادامه دهد. اما فاطمه ای که در خانه وحی تربیت یافته بود، نقشه ای طرح کرد که به واسطه پیش آمدن مرگ نابهنگام، مبارزاتش پایان نیابد بلکه تا قیام قیامت ادامه یابد و این خود گواه بصیرت حضرت فاطمه (ع) است.

ابن قتال گوید: فاطمه (ع) گفت: [ای علی!] من تو را سفارش می کنم که هیچ یک از آن افرادی که بر من ستم کردند و حقم را [به زور] گرفتند [و آن را غصب کردند] کنار جنازه ام حضور نداشته باشند، زیرا آنان دشمنان من و دشمنان رسول الله (ع) هستند... (فتال النیشابوری، ۱۵۱)

د- وصیت برای نماز نخواندن آن دو بر جنازه او: شاهد دیگر این است که فاطمه (ع) به علی (ع) وصیت کرد تا آن دو بر جنازه او نماز [میت] نخوانند. علی (ع) نیز به آن عمل نمود. مجلسی از «واقدی» این گونه نقل کرده است: «وقتی فاطمه (ع) قبل از وفات، به علی (ع) وصیت کرد که ابوبکر و عمر [بر او] نماز نخوانند. علی (ع) نیز به سفارش او عمل نمود». (مجلسی، ۱۸۲/۴۳؛ فتال النیشابوری، ۱۵۱)

ه- دفن شبانه: زهرا (ع) در آخرین روزهای زندگی به همسرش علی (ع) وصیت کرد و گفت: یا علی مرا شب غسل بده. شب کفن کن و مخفیانه به خاک سپار. راضی نیستم

۱۶۶-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰
کسانی که پهلویم را شکستند و کودکم را سقط نمودند و اموالم را مصادره کردند به
تشییع جنازه‌ام حاضر شوند. قبرم را نیز مخفی کن.
علی (ع) هم برطبق وصیت زهرا (ع)، شبانه دفنش کرد و قبرش را با زمین هموارساخت.
و صورت چهل قبر تازه درست کرد مبدا قبرش شناخته شود. (ابن شهر آشوب، ۱۳۸/۳)
البته هر مسلمانی در صدد برمی آید بداند قبر دختر عزیز پیغمبر اسلام کجاست؟ وقتی
شنید که جای قبر معلوم نیست. خواهد پرسید: چرا؟ در جواب می شنود که خود
زهرا (ع) وصیت نموده که قبرش مخفی بماند. آن گاه خود آن شخص علت قضیه را
درک می کند و می فهمد که از دستگاه خلافت وقت، ناراضی بوده و جنازه او در محیط
خفقان آوری دفن شده است. آن گاه فکر می کند که مگر ممکن است دختر محبوب
پیغمبر اسلام با آن همه فضائل و کمالات، از خلیفه پدرش ناراضی باشد و خلافت او
صحیح باشد؟! چنین امری امکان ندارد. پس معلوم می شود که خلافت او غاصبانه و بر
خلاف نظریه پیغمبر (ع) و خانواده اش بوده است. (امینی، ۱۷۹)

۱۱- گریه

اگر گریه‌های فاطمه (ع) جنبه سیاسی نداشت هیچ گاه حکومت درخواست سکوت از
حضرت زهرا (ع) نمی کرد. در نقطه مقابل هم عکس العمل حضرت زهرا (ع) اصرار بر
گریه، تا ملحق شدن به پیامبر بزرگوار (ع) بود.

پس از وفات رسول خدا (ع) و پیش آمدن مشکلات و مصیبت‌ها براهل بیت (ع)، عزاداری
و گریه‌های حضرت زهرا (ع) تداوم داشت و طبیعی بود که برخی احساس خطرکنند. لذا
افرادی را خدمت امیرالمؤمنین فرستادند تا گریه‌ها و عزاداری حضرت فاطمه (ع) را
کنترل نمایند.

شیوخ مدینه نزد امیرمؤمنان آمدند و گفتند: ای ابوالحسن! فاطمه شب و روز می گرید و
هیچ یک از ما در بسترش خواب راحت ندارد و روزنگام نیز برای کار و زندگی آرامش
نداریم، از فاطمه بخواه یا در شب و یا در روز گریه کند.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) الگوی بصیرت در ولایتمداری ----- ۱۶۷

امیر مؤمنان سخن آنان را با زهرا (ع) در میان گذاشت حضرت فاطمه (ع) جواب داد: «یا اباالحسن! ما اقل مکتی بینهم و ما اقرب مغیبی من بین اظهرهم فوالله لا اسکت لیلاً و لانهاراً او الحق بأبی رسول الله» (مجلسی، ۱۷۷/۴۳) یعنی: حضرت فرمود: ای ابوالحسن! درنگ من در میان مردم بسیار کم است و جدایی ام از آنان بسیار نزدیک، به خدا سوگند شب و روز آرام نمی گیرم تا به پدرم ملحق شوم. امام علی (ع) فرمودند: ای دختر رسول خدا! هرگونه می خواهید عمل کنید. پس از این زمان حضرت علی (ع) اتاقی در بقیع برای حضرت ساخت که نام اش بیت الاحزان شد، صبح که می شد زهرا (ع) حسن و حسین را در پیش روی خود حرکت می داد و به حالت گریه به بقیع می رفت و شب که می شد امیرمؤمنان به بقیع می آمد و همراه فاطمه به منزل بازمی گشتند.

دختر طلحه، در یکی از روزهای غم بار پس از رحلت رسول خدا (ع) خدمت فاطمه (ع) رسید و با اظهار ناراحتی از گریه های دلخراش آن بانو، با شگفتی پرسید: فاطمه! چه چیزی شما را این گونه به گریه و زاری وا داشته است؟ حضرت به پیشینه جریانات در زمان رسول خدا و کینه ای که از علی در دل کسانی مانده بود ولی قدرت اظهار نداشتند و پس از رحلت پیامبر (ع) برملا کردند، اشاره کرد. (شیخ طوسی، ۲۰۴)

۱۲- اذان

اقدام دیگر زهرا (ع)، زنده نگه داشتن خاطرات دوران رسول (ع) بود. او می خواست با احیاء و یادآوری آن دوران، در کالبد افسرده آنان بدمد و دریچه ای به سوی نور و نقبی به روشنایی بزند و با طرح سؤالی در اذهان و یادآوری دوران رسول اکرم (ص)، ابرهای ضخیم و سیاه را از اطراف خورشید ولایت کنارزند. شاید همتی، ساحت رفعت خورشید را لیبیک گوید.

وقتی رسول خدا (ع) از دنیارفت و وصی او را کنار نهادند، بلال به عنوان اعتراض دیگر اذان نگفت و هر چه به سراغ اش می آمدند، امتناع می کرد و عذر می آورد. (مجلسی، ۱۴۲/۲۲) او در ادامه اعتراض خود به شام تبعید شد و در آن جا پیامبر را در خواب دید

۱۶۸-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰

که از او شکایت می‌کند که چرا به زیارت من نمی‌آیی از این رو برای زیارت پیامبر به مدینه آمد. (ابن الاثیر، ۲۰۸/۱) با ورود او به مدینه زهرا (ع) از او خواست که اذان بگوید، گفت: «بسیار مشتاقم که صدای مؤذن پدرم را بشنوم».

بلال بر بالای بام مسجد رفت. آوای گرم بلال در مدینه پیچید: «الله اکبر» همه دست از کار کشیدند. هرکس دست دیگری را می‌کشید و با شتاب به سوی مسجد می‌آورد. همه حتی زنان و کودکان در بیرون مسجد جمع شدند. مدینه به یکباره تعطیل شد همه به طنین روح‌افزای بلال گوش می‌دادند و به دهان او چشم دوخته بودند. ناگاه به یاد ایام رسول الله (ع) افتادند. فریاد های گریه در مدینه پیچید. مدینه کمتر این گونه روزهایی به یاد داشت. همه از یکدیگر سؤال می‌کردند، چرا بلال اذان نمی‌گفت؟ چه شده به درخواست زهرا (ع) اذان می‌گوید؟ چرا زهرا (ع) گریه می‌کند؟ به یکدیگر نگاه می‌کردند، سپس سرها را به زیر می‌انداختند و از خود و بیعت‌شان شرم‌شان می‌آمد. زهرا (ع) هم همراه جماعت به اذان‌گوش داده و به یاد دوران پدر و غدیر و... افتاده بود و هم چون باران می‌بارید و اشک می‌ریخت.

در فضای مدینه پیچید: «شهد ان محمداً رسول الله» زهرا (ع) دیگر طاقت نیاورد. فریاد و ناله‌ای زد و از هوش رفت. آن چنان که همه گمان کردند از دنیا رفته است. مردم فریاد برآوردند: بلال بس کن. دختر رسول الله (ع) را کشتی!

بلال اذان را نیمه رها کرد و ندانست که چگونه خود را بربالین زهرا (ع) رساند. زهرا (ع) را به هوش آوردند. درخواست اتمام اذان کرد. بلال گفت: از این درگذرید که بر جان شما نگرانم. با اصرار بلال، التماس و گریه‌های مردم، زهرا (ع) از خواسته خود درگذشت. (مجلسی، ۱۵۷/۴۳)

۱۳- انتقاد شدید از زنان مهاجر و انصار

این بار نوبت زنان است که فاطمه (ع) می‌باید از آن‌ها سخت انتقاد کند، چرا که آنان نیز در ضایع کردن حقوق اهل بیت و نادیده گرفتن سفارش‌های پیامبر (ع) به ویژه کوتاهی در

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) الگوی بصیرت در ولایتمداری-----۱۶۹

حق امیرمؤمنان (ع) سهم به‌سزایی داشتند. آنان با سکوت خود بر کارهای خلاف شوهران خود صحنه گذاشتند و این کار را که مورد خشم فاطمه (ع) قرار گرفته بود در عیادتی که زنان مهاجر و انصار از او داشتند، ضمن خطبه‌ای طولانی به آنان گوشزد کرد.

ابن‌ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه از عبدالله بن حسن بن حسن از مادرش فاطمه دختر امام حسین (ع) نقل کرده: زمانی که بیماری فاطمه شدت یافت عده‌ای از زنان مهاجر و انصار به نزد وی رفته، گفتند: ای دختر رسول خدا چگونه‌ای؟

فاطمه (ع) فرمود: «به خدا سوگند شب را به صبح رساندم در حالی که از دنیای شما ناخشنود و از مردان شما خشمگین و ناراحت هستم. وای بر آن‌ها چگونه خلافت را از پایگاه استوار رسالت و از پایه‌های نبوت و از محل نزول جبرئیل امین و از کسی که حاذق و آگاه به امور دین و دنیا است منحرف کردند و دور ساختند؟! آگاه باشید! این همان خسران آشکار است. چه شده که اینان از ابوالحسن انتقام گرفتند و به علت استواری قدم‌های او بر روی باطل و از بین بردن آن و به خاطر تسلیمی ناپذیری‌اش در راه خدا بود که چنین کردند. به خدا سوگند اگر از زمام امری که رسول خدا (ص) به علی (ع) سپرده بود دست برمی‌داشتند، آن حضرت مهار شتر رهبری و خلافت را کاملاً در دست می‌گرفت و به راحتی و آسانی آنان را رهبری می‌کرد، به طوری که نه بر شتر خلافت جراحی در بینی ایجاد می‌شد و نه اضطراب و ناآرامی بر سوار کارش دست می‌داد.

آنان را به سرچشمه‌ای زلال جوشان و وسیع می‌رساند، تشنگی را برطرف می‌کرد، در آب غوطه‌ور شده و شراره تشنگی و گرسنگی را خاموش می‌نمود...» (ابن‌ابی‌الحدید، ۲۳۳/۱۶)

۱۴- آرزوی مرگ فاطمه (سلام الله علیها)

در روایت وارد است هنگامی که فاطمه زهرا (ع) با تمام توان در دفاع از ولایت امیرالمؤمنین و حکومت اسلامی برآمد در این مسیر به مصیبت‌ها و ناگواری‌های گوناگون گرفتار شد. پس از آن‌که امیرالمؤمنین (ع) را از حکومت کنار دید و حادثه غدیر را

۱۷۰-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰
فراموش شده امت و دولت وقت دید و آن هنگام که فدک و حقوق اقتصادی خود را
در دستان ناهلان دید و در دفاع از حقوق خود ناامید گشت و پس از آن که حریم و
حرمت اهل بیت را محل امنی نیافت و آن گاه که حتی مردم را از صدای گریه های خود
دل‌تنگ دید دست به دعا برداشت و آرزوی ملاقات با خدا و رسول خدا را نمود. در
کتاب نهج الحیاة آمده است، درباره شکوه ها و غم های جانکاه حضرت زهرا (ع) پیامبر
گرامی اسلام به اصحاب خویش خبر داده و فرمود: «دخترم آنچنان در امواج بلاها و
مصیبتها، غمناک و نگران می شود که دست به دعا برداشته، از خدا آرزوی مرگ و
شهادت می کند و می گوید: «یا رب انی قد سئمت الحیاة و تبرمت باهل الدنیا فالحقنی
بابی الاهی عجل وفاتی سریعاً»، یعنی: پروردگارا! از زندگی خسته و روی گردان شده ام و از
دنیازده گان، بلاها و مصیبت های ناگوار دیده ام، خدایا مرا به پدرم رسول خدا متصل گردان
و مرگ مرا زود برسان. (دشتی، ۲۰۴)

نتیجه مقاله

در این مقاله آنچه بیان شد همگی، گواه بر بصیرت حضرت فاطمه (ع) و گوشه ای از
دفاع آن حضرت نسبت به شأن ولایت و رهبری علی بن ابی طالب (ع) است که با تمام
توان و انواع شیوه ها انجام گرفته است. برخی از این اقدامات عبارتند از: نقل روایت،
انتقاد شدید از مردم و حاکمان، رفتن به خانه انصار و گریه و سکوت و قهر و وصیت و
فداکردن فرزند خویش حضرت محسن (ع) و....
از این رو اقدامات حضرت زهرا (س) در ایام حیات خویش بهترین الگو برای امروز هر
مسلمان در ولایت مداری است تا براساس آن بتوان به تکلیف دینی خویش عمل کرد.

کتابشناسی

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهیم، دار
إحیاء الکتب العربیة، الاول، ۱۳۷۸ هـ ش - ۱۹۵۹ م.

- حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) الگوی بصیرت در ولایتمداری-----۱۷۱
- ۳- ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات،
الثانیه، ۱۳۹۰ هـ ق - ۱۹۷۱ م.
- ۴- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابي طالب، تحقیق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف،
النجف الأشرف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۷۶ هـ ق - ۱۹۵۶ م.
- ۵- ابن قتیبه الدینوری، عبدالله بن مسلم، الامامه والسیاسه، تحقیق: طه محمد الزینی، مؤسسه
الحلبی، بی تا.
- ۶- ابن منظور الافریقی المصری، ابي الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار
صادر، الاولي، ۱۴۱۰ هـ ق.
- ۷- امینی، ابراهیم، بانوی نمونه اسلام فاطمه زهرا، شفق، ۱۳۷۶ هـ ش.
- ۸- البخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، دارالفکر، ۱۴۰۱ هـ ق - ۱۹۸۱ م.
- ۹- پور سیدآقایی، مسعود، چشمه در بستر، قم، حضور، ۱۳۸۱ هـ ش.
- ۱۰- التهانوی، محمد علی، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، تحقیق: د. علی دحروج،
بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، الاولي، ۱۹۹۶ م.
- ۱۱- الجوهري، احمد بن عبدالعزيز، السقیفه وفدک، تقدیم وجمع و تحقیق: الدكتور الشیخ محمد
هادی الأمینی، بیروت، شرکه الکتبی للطباعه والنشر، الثانیه، ۱۴۱۳ هـ ق - ۱۹۹۳ م.
- ۱۲- الجوينی الخراسانی، ابراهیم بن محمد بن الموید بن عبدالله علی بن محمد، فرائد السمطین فی
فضائل المرتضى و البتول و السبطین والائمة من ذریتهم علیهم السلام، حقه وعلق علیه محمد باقر
المحمودی، قم، حبیب، بی تا.
- ۱۳- حسینیان قمی، مهدی، زخم خورشید کاوشی در زندگی حضرت زهرا با مقدمه آیت الله سید
محمد حسن مرتضوی لنگرودی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۹ هـ ش.
- ۱۴- حنبل، احمد، مسند احمد، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ۱۵- الخزاز القمی الرازی، علی بن محمد، کفایه الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، تحقیق:
السید عبد اللطیف الحسینی الکوهکمری الخوئی، قم، بیدا، ۱۴۰۱ هـ ق.
- ۱۶- دشتی، محمد، نهج الحیاه (فرهنگ سخنان فاطمه (ع))، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین (ع)،
۱۳۷۲ هـ ش.
- ۱۷- الذهبي، محمد بن احمد، میزان الاعتدال، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت، دار المعرفه،
الأولي، ۱۳۸۲ هـ ش - ۱۹۶۳ م.

- ۱۷۲-----منهاج - سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰
- ۱۸- سیدرضی، نهج البلاغه، ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الاسلام، تهران، فقیه، پنجم، بی تا.
- ۱۹- شبر، عبدالله، جلاء العیون، قم، باقیات، ۱۴۲۷ هـ.ق.
- ۲۰- الشهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، تحقیق: محمد سید کیلانی، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
- ۲۱- الصدر، محمد باقر، فدک فی التاريخ، تحقیق: عبد الجبار شراره، مرکز الغدير للدراسات الإسلامیه، الاولی، ۱۴۱۵هـ.ق، ۱۹۹۴ م.
- ۲۲- الطبرانی، المعجم الكبير، تحقیق و تخریج: حمدی عبد المجید السلفی، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- ۲۳- الطبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تحقیق تعلیق و ملاحظات: السید محمد باقر الخراسان، النجف الأشرف، دار النعمان، ۱۳۸۶ هـ.ش - ۱۹۶۶ م.
- ۲۴- الطبری، احمد بن عبد الله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، القاہره، مکتبه القدسی لصاحبها حسام الدین القدسی، ۱۳۵۶ هـ.ق.
- ۲۵- الطبری، محمد بن جریر، المسترشد، تحقیق: الشیخ أحمد محمودی، قم، مؤسسه الثقافه الإسلامیه، الأولی المحققه، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- ۲۶- طبسی، محمد جواد، فاطمه الگوی حیات زیبا، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ هـ.ق.
- ۲۷- الطوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم، دار الثقافه، الأولی، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- ۲۸- الطیالسی، سلیمان بن داود، مسند أبي داود الطیالسی، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
- ۲۹- العسکری، مرتضی، عبد الله بن سبا، توحید، السادسة مصححه، ۱۴۱۳ هـ.ق - ۱۹۹۲ م.
- ۳۰- العیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، تحقیق و تصحیح و تعلیق: السید هاشم الرسولی المحلاتی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، بی تا.
- ۳۱- الفتال النیسابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین، تحقیق تقدیم: السید محمد مهدی السید حسن الخراسان، قم، منشورات الشریف الرضی، بی تا.
- ۳۲- الفراهیدی، الخلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، قم، اسوه، الاولی، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- ۳۳- القشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- ۳۴- الکلینی رازی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تعلیق: علی أكبر الغفاری، تهران، المکتبه العلمیه الإسلامیه، الرابعه، ۱۳۶۲ هـ.ش.
- ۳۵- المجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تحقیق: محمد الباقر البهبودی، یحیی العابدی الزنجانی، السید کاظم الموسوی المیاموی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، الثالثه المصححه، ۱۴۰۳ هـ.ق - ۱۹۸۳ م.

- حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) الكوى بصيرت در ولايتمدارى-----١٧٣
- ٣٦- المرعشى، شرح إحقاق الحق، تحقيق: إهتمام: السيد محمود المرعشى، قم، منشورات مكتبه آيه الله العظمى المرعشى النجفى، الأولى، ١٤٠٩ هـ.ق.
- ٣٧- المسعودى، محمد فاضل، الأسرار الفاطميه، تحقيق تقديم: السيد عادل العلوى، قم، مؤسسه الزائر، الثانيه، ١٤٢٠ هـ ق - ٢٠٠٠ م.
- ٣٨- الهيشمى، مجمع الزوائد، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤٠٨ هـ ق - ١٩٨٨ م.